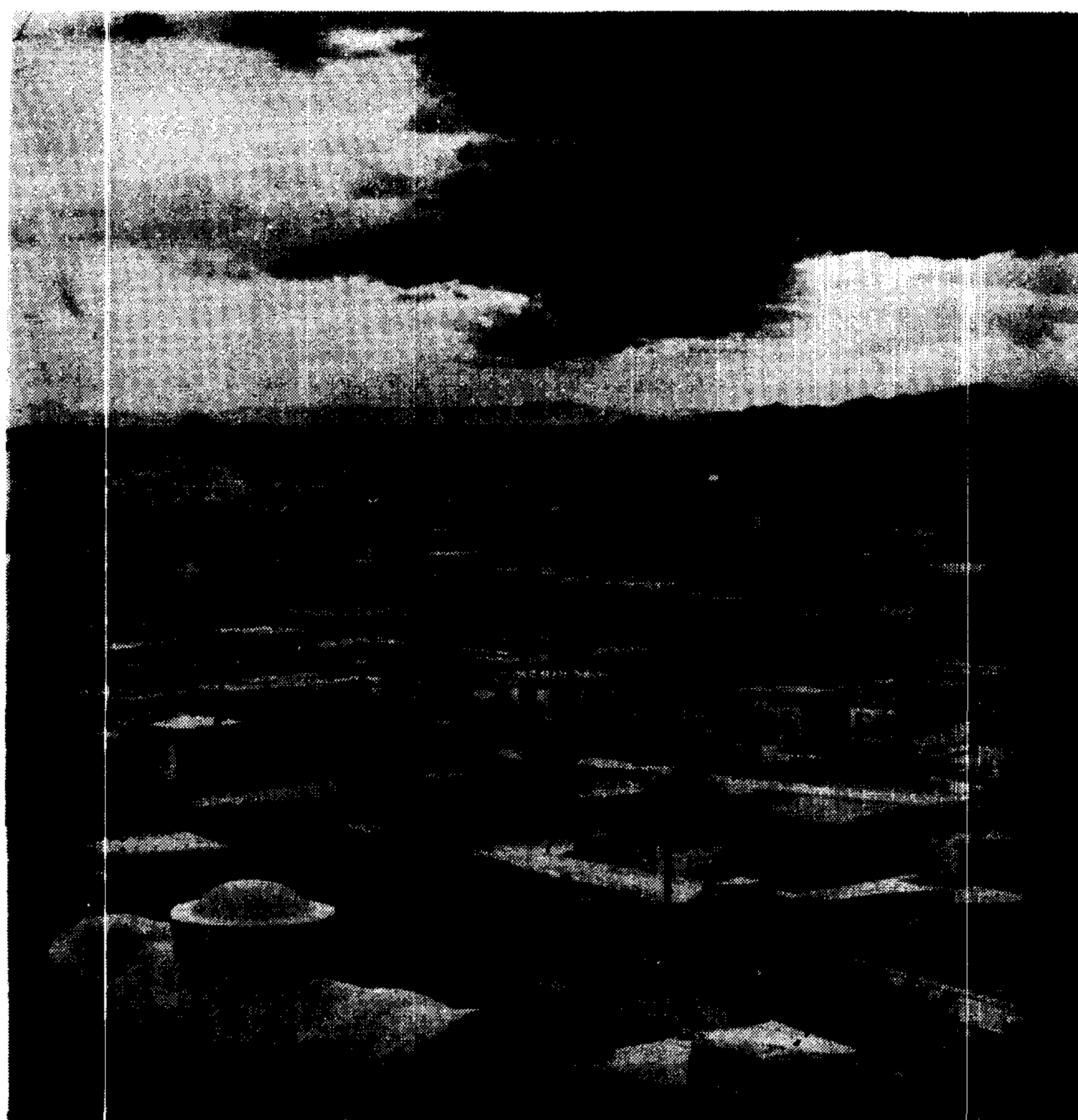


محیط‌های روستا و شهر

دکتر ایرج اعتصام

تاریخ فعالیت های کشاورزی تاریخ تمدن انسانهاست .
جوامع اولیه انسانی که کم کم بشکل دهات و شهرهای کوچک ظاهر
گشته اند بر اساس کشاورزی استوار بوده است . با این همه سابقه
تاریخی هنوز مشکلات بفرنج در سطح جهانی بخصوص جهان سوم
باقیست و تلاش برای از بین بردن موانع ادامه دارد .
کره زمین محدود و اراضی قابل کشت آن نیز محدود است
(لاقط با تکنولژی امروز) و جمعیت جهان در حال ازدیاد سریع
و انفجاری باشد . البته خطر این انفجار بحدی نیست که مالتوس
اقتصاددان معروف انگلیسی و نئومالتوسین ها ما را میترسانند .
در این مورد بعداً " توضیح بیشتری خواهم داد .



سطح کره زمین را بیش از ۷۰ درصد آب گرفته و فقط در حدود ۳۰ درصد آن خشکی است که از این مقدار ۳۰٪ جنگل - ۲۰٪ دشتهای کم درخت - ۱۸٪ کوهستانی و ۲۳٪ زمینهای بیرو صحرا (استوایی و قطبی است) . پس در حدود ۵۰٪ از خاک کره زمین را نواحی کوهستانی و صحاری تشکیل میدهند که این مساحت جزء اراضی قابل کشت محسوب نمیشوند .

جغرافیای کشاورزی زمینهای حاصلخیز و پر برکت کشاورزی را در سطح جهان مشخص میسازد و جغرافیای انسانی نتایج درخشان حماسه کار انسانی در عرصه این زمین و همه اعمالی را که انسان برای تغییر دادن محیط طبیعی انجام داده است . . . ولی خیلی زود با جغرافیای دیگری نیز آشنا شده ایم . " جغرافیای گرسنگی " . خوزه دکاسترو در کتاب خود که بسال ۱۹۴۸ منتشر کرد و تجدید چاپ شد و بزبانهای مختلف نیز ترجمه گشت مارا با این جغرافیای جدید آشنا می کند .

در این کتاب از فقر و ناکامیهای انسان صحبت شده است و بحث بر سر کارهائیست که انسان انجام نداده ، ندانسته یا نخواستہ انجام دهد . باین ترتیب جغرافیای گرسنگی جغرافیای جلال و عظمت انسان نیست بلکه جغرافیای سیه روزی و بینوایی اوست . این کتاب برخلاف عنوانی که دارد بسیار خوشبینانه بمسائل نگریسته است و ضمن اخطارها و اعلام خطرهایی که بحق می کند از مشکلات و مسائل کا بوس نمی سازد کما اینکه در مقدمه چاپ امریکائی این کتاب خانم پرل بک Pearl Buck مینویسد . اینست شوق انگیزترین - خوش بین ترین و آرامی بخش ترین کتابی که من به سهم خویش در عمرم مطالعه کرده ام .

دکاسترو سؤال می کند که آیا گرسنگی یک پدیده طبیعی است یا محصول اینکه انسان ندانسته است چگونه از امکانات استفاده کند و چگونه آنرا به هدر داده است .

گفتیم که حدود ۵۰٪ از خاک کره زمین را نواحی کوهستانی و صحاری تشکیل می دهند که جزء اراضی قابل کشت نمی شوند

گو اینکه در سالهای اخیر با روشهای نوین کشاورزی توانسته اند در زمینه کشت اینگونه اراضی به پیروزیهای مسلمی برسند بعنوان مثال صدها هزار اکر از صحاری مناطق حاره در سایه روشهای نوین آبیاری و قابل کشت شده اند و شورویها با بکار گرفتن تکنیک های پیشرفته کشاورزی در حال ضمیمه کردن قسمت بزرگی از صحراهای قطبی باراضی قابل کشت میباشند و موفقیت های شایان توجهی برای کشت انواع غلات و حبوبات بدست آورده اند . اگر از این موقعیت ها بگذریم و همان محاسبات محتاطانه متخصصین اروپائی را در نظر بگیریم باین نتیجه می رسیم که علل کمبود غذایی در جهان دناست و لثامت طبیعت نیست .

البته بقول آرتور لوویس Arthur Lewis استاد دانشگاه منچستر " طبیعت لطف خاصی به بشر ندارد اگر بحال خودش گذاشته شود همه جا را پراز علفهای هزر و سیل و بیماری و مصیبت های دیگر خواهد کرد تنها انسان است که میتواند بکمک فکر و عمل خود آنرا خنثی کند " . . . شاید جواب دکاسترو در این مورد این باشد که انسان اگر بخواهد و بموقع عمل کند حتما " میتواند . در سر تا سر کره زمین بیش از ۱۶ میلیارد اکر زمین برای کشت و زرع و تهیه مواد غذایی انسان آماده است و بعبارت دیگر به نسبت جمعیت کنونی جهان حدود ۵ اکر برای هر فرد وجود دارد . به موجب محاسباتی که کارشناسان کشاورزی و تغذیه در سایه علم نوین تغذیه بعمل آورده اند جهت تدارک مواد غذایی لازم برای زندگی هر فرد انسانی در حدود ۲ اکر زمین لازم است یعنی در حقیقت از مساحتی که اکنون طبیعت در اختیار هر فرد قرار داده است حدود یک سوم آن کافیتست برای اینکه بتواند از یک رژیم غذایی کامل برخوردار شود .

پس این نظریه که گرسنگی یک پدیده طبیعی است درست نیست . در حال حاضر مساحتی که بدست بشر مورد کشت و زرع قرار می گیرد حدود ۲ میلیارد اکر است یعنی در حقیقت بشر فقط از یک هشتم امکانات طبیعی زمین استفاده می کند .

مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست

بنا بر این نمی توان مسئله گرسنگی جهان را نتیجه عدم استفاده بیشتر از کره زمین و محدود بودن محصول دانست بلکه این امر مسئله ایست مربوط به شکل توزیع .

بقول فرانک بودرو نویسنده کتاب " امر تغذیه به مثابه یک مسئله جهانی " . . . " ما راه تولید غذاها را خیلی بهتر از

طریقه توزیع آن آموخته ایم " قحطی و جنگ تابع هیچیک از قوانین طبیعی نیستند و در حقیقت این دو فاجعه ساخته دست بشر است و تاریخ آن مربوط به تاریخ اندوختن ذخائر و ایجاد مرزهای برای دفاع از ثروت و در همان زمان موانع و دشواریها در راه توزیع ثروت .

گروه دیگر از تنوریسین های پدیده گرسنگی، طبیعت را متهم می کنند باینکه با مکانیسم خود بطور غیرمستقیم محرک این بلا می باشند باین معنی که با بخشیدن امکان تولید مثل سریع انسان موجب افزایش فوق العاده سکنه کره زمین میشود و نتو مالتوسین ها



کسانی هستند که تئوری اقتصاد دان معروف انگلیسی یعنی " توماس ربرت مالتوس Thomas Robert Malthus " را دوباره احیاء کرده اند . در اواخر قرن هیجدهم در آن زمان که نخستین آزمایشهای صنعت ماشینی چنین وانمود می کرد که بعدها ماشین می تواند جانشین انسان شود و بنا بر این باید بدون درنگ از تعداد موالید کاست تا هر گونه رقابت میان ماشین انسان و این ماشین نوین از بین برود دانشمند انگلیسی تئوری معروف خویش را به جهانیان عرضه کرد .

نخست این تئوریها سخت مورد تأیید قرار گرفتند ، به خصوص در کشور خود او که مهد صنعت ماشینی بود . مالتوس برای دفاع از نظریه که بموجب آن افزایش جمعیت خطری شدید و جدی برای تعادل اقتصادی جهان بوجود می آورد این فرضیه را مطرح کرد که رقم جمعیت به نسبت تصاعد هندسی افزایش می یابد در حالیکه رقم مربوط به محصولات غذایی به نسبت تصاعد ریاضی زیاد میشود و از همین رو میزان اختلاف غذایی میان جمعیت و محصول هر روز عمیق تر میشود . اما نظریه مالتوس فاقد پایه و اساس علمی لازم بود . نخستین اشتباه او اینکه تصور میکرد افزایش تعداد جمعیت یک عامل مستقل و یک پدیده جدا از چهارچوب حقایق اجتماعی است حال آنکه در عمل این افزایش با عوامل سیاسی و اقتصادی بستگی نزدیکی دارد .

امروز اگر در برخی کشورها تعداد جمعیت همچنان رو به افزایش است در سرزمین هایی مانند اروپای غربی و امریکای جنوبی و شمالی در مرحله برقراری تعادل وارد شده است حال آنکه در کشورهایمانند ایالات متحده امریکا و استرالیا به آنچنان مرحله ای رسیده است که به اصطلاح " نوتشتین Notestein " باید آنرا آغاز افول تعداد سکنه دانست .

در حال حاضر درصد متوسط ازدیاد سالیانه جمعیت در اکثر کشورهای اروپائی کمتر از ۱٪ است مثلاً " فنلاند " ۸ / ۵ درصد -

انگلستان - ایتالیا - یونان ۷/۵ درصد و اطریش ۵/۵ درصد در حالیکه متوسط رشد سالیانه جمعیت بالاست . کمترین درصد مربوط به ژاپن است که برابر ۱٪ است . ترکیه ۲ درصد - ایران حدود ۳ درصد و اسرائیل ۶/۳ درصد می باشد .

جمعیت کل جهان از ۵/۲ میلیارد نفر در سال ۱۹۵۰ به بیش از ۵/۳ میلیارد نفر در حال حاضر رسیده است و پیش بینی می شود که جمعیت جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی به بیش از ۵/۶ میلیارد نفر برسد .

هنوز اکثریت جمعیت جهان را روستائیان تشکیل می دهند و انتظار می رود در حدود سال ۲۰۰۰ میلادی دورقم شهرنشین و روستا نشین بهم نزدیک شده و جمعیت شهرنشین مقدار کمی بیش از جمعیت روستا نشین شود که البته این در جمع کل جمعیت جهان است و گرنه در آسیا که جمعیت شهرنشین و جمعیت روستا نشین آن در سال ۱۹۷۰ به ترتیب ۲۵٪ و ۷۵٪ بوده است در سال ۲۰۰۰

میلادی به ۴۲٪ و ۵۸٪ کل جمعیت خواهد رسید یعنی در آن سال هم باز جمعیت روستا نشین در آسیا اکثریت خواهد داشت و بیش از جمعیت شهرنشین خواهد بود . بسیاری از کشورهای این قاره سالیان متمادی تحت استعمار کشورهای پیشرفته صنعتی بوده و در نهایت فقر و تنگدستی با سیستم های عقب مانده کشاورزی و وظیفه شان صرفاً "تامین و ارسال مواد اولیه مورد لزوم کشورهای صنعتی بوده است . از تاریخ استقلال این کشورها مدت زیادی نمی گذرد فی المثل کشور یا شبه قاره هندوستان که در سال ۱۹۴۷ مستقل شده است و اینکه با داشتن ۵۵۰۰۰۰ ده و با اعتقاد باینکه عمران کشور بر پایه عمران دهات استوار است نهایت دقت و صرفه را در اتخاذ روش و طریق پیشبرد برنامه های عمرانی بکار گرفته است در مورد اهمیت دهات هند گاندی رهبر فقید هند گفته است . " اگر دهات هند نباشد هند نابود می گردد " .

ایران در مرحله صنعتی شدن با رشد سریع جمعیت شهرنشین روبرو بوده است یعنی با رشد متوسط ۵٪ در سال نسبت به متوسط رشد سالیانه جمعیت روستائی که حدود ۲٪ در سال بوده است . طبق محاسبه کارشناسان جمعیتی ، جمعیت شهرنشین ماکه در سال ۱۳۴۹ ، ۴۸٪ جمعیت کل کشور و جمعیت روستا نشین ۵۹٪ کل جمعیت بود در سال ۱۳۵۹ به درصد تقریباً " مساوی شهرنشین و روستا نشین میرسد و از سال ۱۳۶۹ است که درصد جمعیت شهرنشین نسبت بکل جمعیت افزایش یافته و جمعیت روستا نشین در صد کمتری خواهد داشت و بالاخره این نسبت در سال ۱۳۷۹ (یعنی حدود سال ۲۰۰۰ میلادی) به ۶۸٪ شهرنشین و ۳۲٪ روستا نشین خواهد رسید .

جداول زیر بترتیب جمعیت شهرنشین و روستا نشین جهان و ایران را نشان میدهد .



مرکز هماهنگی محیط زیست

جدول ۱ - جمعیت جهان برحسب جمعیت شهری و روستائی مناطق پیشرفته و مناطق در حال توسعه طی سالهای ۲۰۰۰ - ۱۹۵۰

۲۰۰۰	۱۹۹۰	۱۹۸۰	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۵۰	
۳۳۲۹	۲۵۱۷	۱۸۵۴	۱۳۵۲	۹۸۵	۷۰۴	جمعیت کل شهرنشین جهان
۱۱۷۴	۱۰۲۱	۸۶۴	۷۱۷	۵۸۲	۴۳۹	مناطق توسعه یافته
۴۳۸	۳۸۸	۳۳۹	۲۹۲	۲۶۴	۲۰۷	اروپا
۲۵۲	۲۱۴	۱۷۴	۱۳۹	۱۰۶	۷۱	اتحاد جماهیر شوروی
۲۸۴	۲۴۵	۲۰۴	۱۶۹	۱۳۸	۱۰۶	آمریکای شمالی
۱۲۰	۱۰۸	۹۳	۷۵	۵۹	۳۱	ژاپن
۸۰	۶۶	۵۴	۴۲	۳۳	۲۴	سایر کشورها
۲۱۵۵	۱۴۹۶	۹۹۰	۶۳۵	۴۰۳	۲۶۵	مناطق در حال توسعه
۷۹۳	۵۵۶	۳۷۰	۲۳۸	۱۵۴	۱۱۱	آسیای شمالی
۶۰۲	۴۳۳	۲۹۴	۱۹۱	۱۲۰	۷۴	آسیای شرقی
۳۲۰	۲۰۳	۱۲۵	۷۷	۴۸	۳۰	آفریقا
۴۴۰	۳۰۴	۲۰۱	۱۲۹	۸۱	۵۰	آمریکای لاتین و اقیانوسیه
۳۱۸۶	۲۹۳۹	۲۶۱۴	۲۲۸۳	۱۹۹۷	۱۷۸۲	کل جمعیت روستانشین جهان
۲۸۰	۳۱۶	۳۴۷	۳۷۴	۳۹۴	۴۱۸	مناطق توسعه یافته
۱۳۱	۱۴۵	۱۵۸	۱۷۰	۱۷۹	۱۸۵	اروپا
۷۷	۸۹	۹۷	۱۰۴	۱۰۸	۱۰۹	اتحاد جماهیر شوروی
۵۰	۵۴	۵۶	۵۹	۶۰	۶۰	آمریکای شمالی
۱۳	۱۸	۲۳	۲۹	۳۴	۵۲	ژاپن
۹	۱۰	۱۳	۱۲	۱۳	۱۲	سایر کشورها
۲۹۰۶	۲۶۲۳	۲۲۶۷	۱۹۱۰	۱۶۰۳	۱۳۶۳	مناطق در حال توسعه
۱۵۶۱	۱۳۵۵	۱۱۱۶	۸۸۸	۷۱۱	۵۸۷	آسیای شمالی
۶۹۰	۷۰۷	۶۸۵	۶۳۵	۵۶۷	۵۰۰	آسیای شرقی
۴۹۸	۴۱۳	۳۳۲	۲۶۸	۲۲۱	۱۸۷	آفریقا
۱۵۷	۱۴۸	۱۳۴	۱۱۹	۱۰۴	۸۹	آمریکای لاتین و اقیانوسیه

جدول ۲ - جمعیت ایران برحسب جمعیت شهری و روستائی طی

سالهای ۱۳۳۵ - ۱۳۷۹ شمسی

سال	جمعیت کل کشور	جمعیت شهرنشین	جمعیت روستانشین
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۹۵۳۵۶۳	۱۳۰۰۱۱۴۱
۱۳۴۵	۲۵۷۸۱۰۹۰	۹۸۲۰۹۲۲	۱۵۹۶۰۱۶۸
۱۳۴۹	۲۹۰۱۵۰۰۰	۱۱۹۳۶۰۰۰	۱۷۰۷۹۰۰۰
۱۳۵۶	۳۵۶۸۰۰۰۰	۱۶۷۹۴۰۰۰	۱۸۸۸۶۰۰۰
۱۳۵۹	۳۸۹۸۵۰۰۰	۱۹۴۳۷۰۰۰	۱۹۵۴۸۰۰۰
۱۳۶۹	۴۹۸۹۴۰۰۰	۳۰۳۴۶۰۰۰	۱۹۵۴۸۰۰۰
۱۳۷۹	۵۷۹۱۰۰۰۰	۳۹۳۲۰۰۰۰	۲۸۵۸۰۰۰۰

از مقایسه ارقام جداول فوق نتایج کلی زیر بدست می آید:
جمعیت شهرنشین و روستانشین جهان در سال ۱۹۵۰ به ترتیب ۲۸٪ و ۷۲٪ بوده و در سال ۱۹۷۰ (که جمعیت کل جهان ۶۳۵ ، ۳ میلیارد رسیده) به ترتیب ۳۷٪ و ۶۳٪ شده است و این در صد در سال ۲۰۰۰ میلادی (که جمعیت کل جهان به ۵۱۵ ، ۶ میلیارد میرسد) به ترتیب ۵۲٪ و ۴۸٪ خواهد بود.
جمعیت شهرنشین و روستانشین کشورها و مناطق در حال توسعه در سال ۱۹۵۰ به ترتیب ۱۶٪ و ۸۴٪ بوده و در سال ۱۹۷۰ به ترتیب ۲۵٪ و ۷۵٪ رسیده و در سال ۲۰۰۰ میلادی به ترتیب به ۴۸٪ و ۵۲٪ خواهد رسید .

جمعیت شهرنشین و روستانشین ایران در سال ۱۹۷۰ به ترتیب ۴۱٪ و ۵۹٪ کل جمعیت کشور بوده است . در صد جمعیت شهرنشین در ایران در سال ۱۹۷۰ کمی بیشتر از رقم در صد شهرنشین جهان در همین سال (۳۷٪) و بمراتب بیشتر از رقم در صد شهرنشین کشورهای در حال توسعه در همین سال (۲۵٪ کل جمعیت) بوده است
جمعیت شهرنشین و روستانشین اروپا در سال ۱۹۵۰ به ترتیب ۵۵٪ و ۴۵٪ بوده و در سال ۱۹۷۰ به ۶۴٪ و ۳۶٪ رسیده است .

جمعیت شهرنشین و روستانشین امریکای شمالی در سال ۱۹۵۰ بترتیب ۶۴٪ و ۳۶٪ بوده که در سال ۱۹۷۰ به ۷۴٪ و ۲۶٪ رسیده است .

تعداد کم جمعیت روستانشین و در صد کمتر آن نسبت به کل جمعیت در اروپا و امریکای شمالی باین معنی نیست که در این کشورها به مسائل کشاورزی توجه نمیشود ، برعکس با بکار بردن تکنیکهای بسیار پیشرفته کشاورزی سطح عالی کشت و میزان تولیدات کشاورزی و نوع محصولات کشاورزی خود را در سطح عالی نگهداشته و استاندارد زندگی را در شهر و روستا بهم نزدیک ساخته اند . از میان برداشتن فاصله سطح زندگی و استاندارد زندگی شهری و روستائی اصل مسلم و هدف اساسی بوده که همواره دنبال شده است و این ثمره بیش از یک قرن تلاش کشورها در زمینه بهبود وضع کشاورزی ، آموزش صحیح و پی گیری و تعاونیهای قوی و اتحادیههای کشاورزی بوده است . فی المثل در امریکا اولین انجمن کشاورزی در فیلادلفیا در سال ۱۷۸۵ میلادی تشکیل شده است و در سال ۱۸۵۲ انجمن کشاورزان امریکا با شرکت ۲۲ ایالت تشکیل گردید . همچنین در سال ۱۸۶۲ میلادی قانونی از کنگره گذشت که با در آمد حاصله از مقداری از اراضی دولتی که در اختیار مقامات صالحه ایالات گذارده شد در هر یک دانشکده کشاورزی تأسیس و اداره شود .

در ژاپن نیز به موازات پیشرفت صنعت به کشاورزی و توسعه شرکت های تعاون و روستائی توجه خاص شده است بطوریکه ۹۶٪ کشاورزان ژاپن عضو فعال شرکت های تعاونی هستند و همچنین مدارس حرفه ای کشاورزی در ژاپن بسیار توسعه یافته است . ژاپن این اصل مسلم را که از بین بردن شکاف طبقاتی با ایجاد یک طبقه متوسط قوی ممکن است قبول کرده است و بهمین علت روستائیان با حمایت دولت و همت و پشتکار خود در آمد کافی مانند شهرنشینان یافته اند .

مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست

در ایران نیز که بسرعت مراحل صنعتی شدن و شهرگرایی را پشت سر میگذارد و در عین حال هدف اساسی از میان برداشتن فاصله سطح زندگی شهری و روستائی را مورد نظر دارد توجه خاص به مسائل کشاورزی ، تولید و تقویت شرکت های تعاون روستائی ، آموزش روستائی و عمران و نوسازی روستاهای کشور ضروری است .

با داشتن چنین هدفهای عالی و انسانی ببینیم که وضع کنونی روستاهای ما چگونه است و برای سازمان دادن و عمران و پیشرفت آن چه میتوان کرد :

به طوریکه میدانیم حدود یک سوم کشور ما کوهستانی ، یک سوم دشتهای کویری و با پرو حدود یک سوم آن دارای پوشش گیاهی در سطح قابل سکونت ایران جمعیت روستائی ما در حدود ۶۷ هزار واحد روستائی با ابعاد مختلف پراکنده است از این مقدار حدود ۴۹ هزار ده که دارای جمعیتی کمتر از ۵۰ خانوار هستند فقط حدود ۳۸٪ جمعیت روستائی را در بر میگیرد در حالیکه در ۱۸ هزار ده باقیمانده که دارای بیش از ۵۰ خانوار میباشد حدود ۶۲٪ جمعیت روستائی سکونت دارند . پائین بودن تعداد جمعیت در اکثر این نقاط روستائی نشانه محدودیت امکانات توسعه میباشد . دلیل عمده و اصلی متفرق بودن و پراکندگی دهات کشور شرایط آب و هوائی مختلف است . طبیعت و تشکیلات زمین شناسی و شرایط آب و هوائی ایران خاصه از نظر آب در بهره برداری از منابع آب و زمین تاثیر فراوان دارد . خصوصیات اقتصادی و فنی کشاورزی ایران نیز ناشی از محدودیت میزان آب است .

متوسط بارندگی سالیانه ایران بجز سواحل دریای خزر که در حدود ۱۵۰۰ میلیمتر است متوسطی قلیل و ناچیز یعنی در حدود ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیمتر است . بعلاوه توزیع آن در فصول مختلف سال نیز یکسان و مرتب نیست . تشکیل شدن واحدهائی به اسم ده در ایران نیز ناشی از همین خصوصیت طبیعی بوده است یعنی تشکیل واحدهائی بر مبنای استفاده از قنات و طرز آبیاری

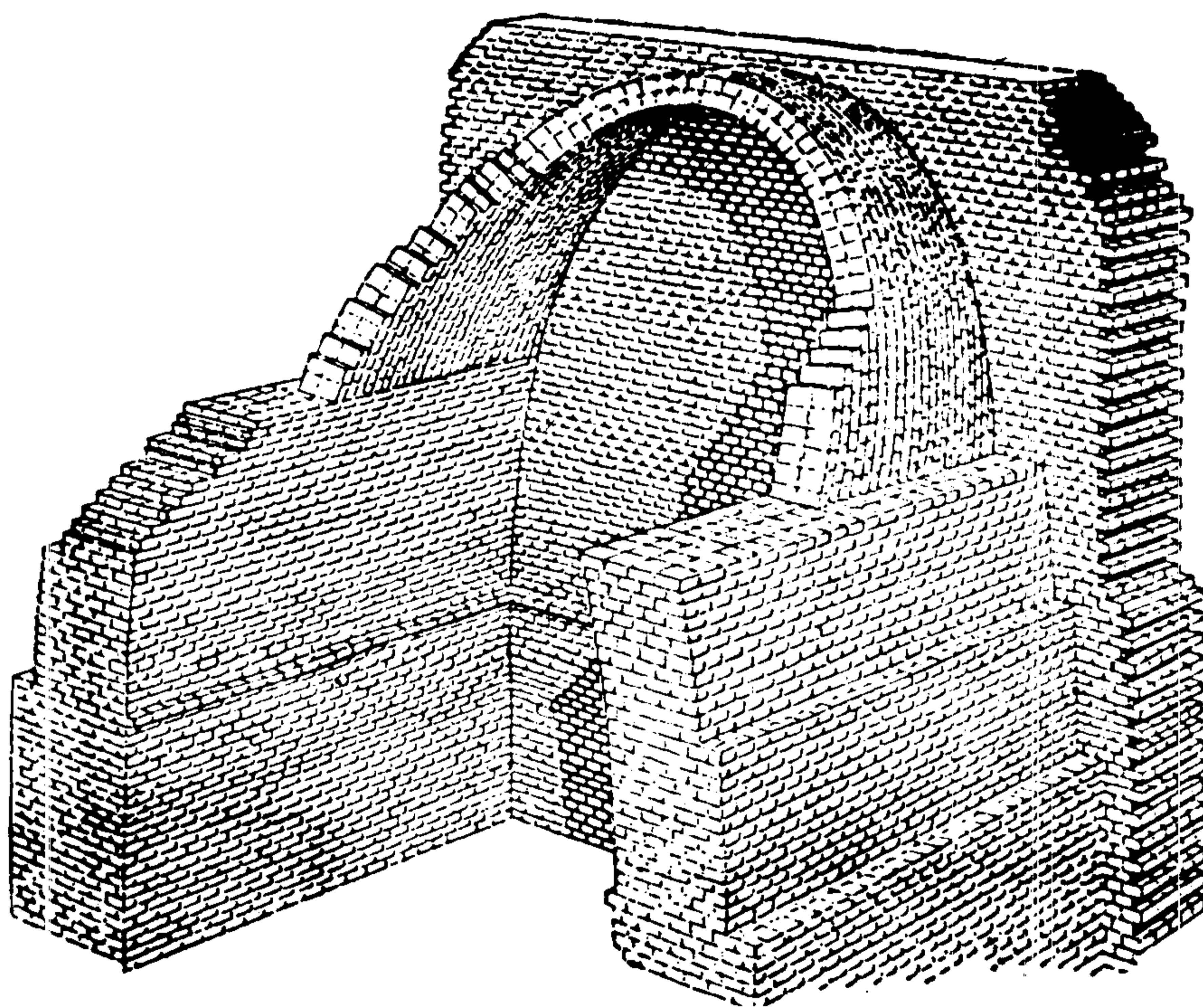
محیط شناسی

خاص که مبتنی بر محدودیت آب است . واحدهائی که بر یک چنین بنیادی در طی قرون بوجود آمده اند بالمآل نوعی سازمان تعاونی را درده ایجاد کرده اند .

بعلت محدودیت هائیکه ذکر شد و همچنین نسبت جذب شهرنشینی که نوید کار دائم و درآمد بیشتر میدهد و این روند که یک روند تاریخی صنعتی شدن گردیده و جمعیت کارجو را به سرعت بطرف شهرها میکشاند مهاجرت بیشتر از روستاها بشهرهای ایران را در سالهای اخیر باعث شده است و در حال حاضر نیز بسیاری از روستائیان آماده این مهاجرت بشهرها هستند .

بمنظور نگهداری هرچه بیشتر جمعیت در روستاها بایستی اقداماتی در جهت توسعه و عمران مناطق روستائی و ایجاد اشتغال به میزان کافی در این نواحی معمول گردد و این امر در برنامه ریزی کلی توسعه اقتصادی و کالبدی مملکت در درجه اول اهمیت قرار دارد .

اگر اقدامات صحیحی برای توسعه و عمران مناطق روستائی بمنظور ایجاد اشتغال و در نتیجه نگهداری جمعیت در آنها صورت نگیرد جریان مهاجرت مردم روستا نشین بسوی شهرها باعث تشدید مسئله کمبود تسهیلات مورد نیاز شهرها گردیده و مضیقه مسکن را



دشوارتر خواهد نمود .

البته نیاستی این حقیقت را نادیده گرفت که همراه با توسعه اقتصادی سهم محصولات کشاورزی از کل تولید ملی و همچنین سهم بخش کشاورزی یا بطور کلی سهم بخش اولیه و عمدتاً " بخش کشاورزی از کل اشتغال که در سرشماری ۱۳۴۵ معادل ۴۷٪ بوده است در سالهای آینده کاهش خواهد یافت و این روند با توجه به تعداد شاغلین بخش اولیه در کشورهای پیشرفته صنعتی که کمتر از ۱۰٪ کل شاغلین میباشد کاملاً " قابل پیش بینی است .

کاهش میزان جمعیت روستائی در آینده از مقایسه مقدار زمینهای کشاورزی با تعداد مردمی که در روستاها از این ممر زندگی میکنند نیز قابل پیش بینی است . زیرا با احتساب کلیه اراضی مناسب کشاورزی در سال ۱۳۴۵ بطور متوسط هر فرد کشاورز ۳/۵ هکتار زمین در اختیار داشته است و اگر فقط زمینهای زیر کشت را در نظر بگیریم این میزان از ۲ هکتار زمین برای هر فرد کشاورز تجاوز نمیکند . با احتمال قوی در حال حاضر این ارقام به علت افزایش جمعیت روستاها از سال ۱۳۴۵ تا کنون کاهش یافته است و تازه بایستی باین نکته توجه نمود که برای بالابردن سطح زندگی روستائیان زمین مورد نیاز هر کشاورز بمراتب بیش از ۲ هکتار خواهد بود . حتی در کشورهای جنوبی اروپا که اراضی کشاورزی غیر کافی بود و جمعیت روستائی این ممالک نیز بسرعت در حال کاهش است میزان اراضی تحت کشت هر زارع از ۱۰ هکتار تجاوز میکند و این مقدار دائماً " در حال افزایش است .

تجزیه و تحلیل مختصر فوق دو نتیجه مهم را نشان میدهد .

الف - ضرورت ایجاد فرصت های اشتغال در مناطق روستائی و نگهداشتن تعداد هر چه بیشتر جمعیت در این مناطق بمنظور تعدیل فشار مهاجرت مردم روستا نشین بمرکز شهری کشور

ب - قطع نظر از این کوشش ، با توجه باینکه تعداد جمعیت

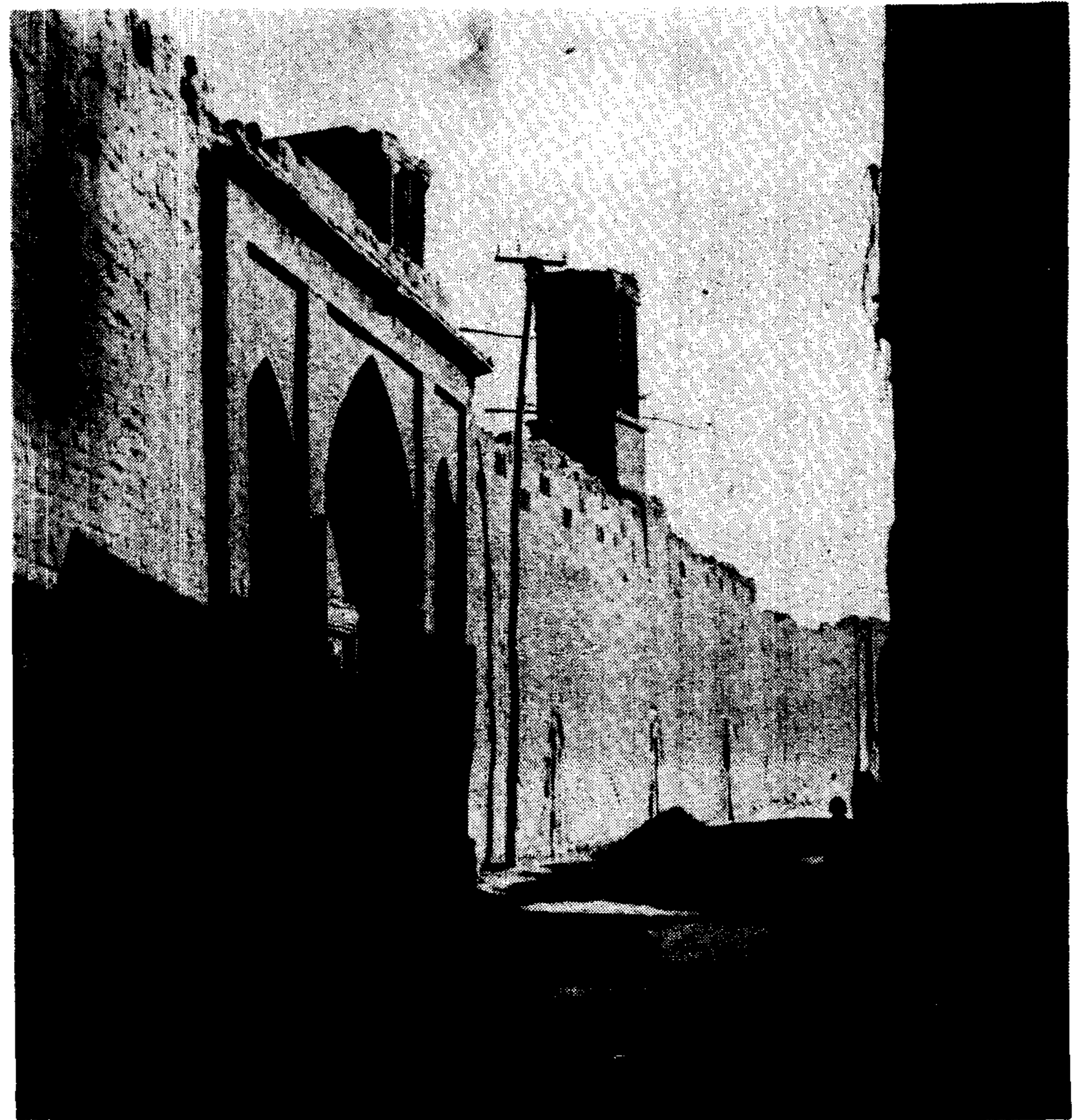
روستائی بناچار کاهش مییابد ، بایستی ارائه خدمات در مناطق روستائی بر مبنای جدیدی استوار گردد . زیرا ارائه سرویسهای بهداشتی ، آموزشی و خدماتی دولت برای کلیه روستاهای کشور بنحو مطلوب میسر نخواهد بود و تبعیت از پراکندگی موجود دهات در سرمایه گذاری دولتی موجب هدر رفتن سرمایه خواهد گردید .

در حال حاضر حدود ۱۸ میلیون نفر جمعیت روستا نشین کشور ، در بیش از ۶۰۰۰۰ روستا زندگی میکنند و این بدین معنی است که در هر روستا بطور متوسط ۳۰۰ نفر ساکن هستند . با توجه به الزام کاهش جمعیت روستا نشین کشور در آینده ، متوسط جمعیت بسیاری از این روستاها بخصوص آنها که کوچکتر بوده و منابع کشاورزی محدودی دارند ، کاهش بیشتری خواهد یافت . بدین ترتیب با توجه باین حقیقت که برای ایجاد یک سازمان آموزشی یا ارائه خدمات بهداشتی و اداری بایستی حداقل تقاضا موجود باشد ، کاملاً " آشکار میشود که بسیاری از این دهات دارای جمعیت کافی برای ارائه اینگونه خدمات نیستند . بعنوان مثال بمنظور عملکرد صحیح و مناسب یک مدرسه ابتدائی لازم است که حداقل یک معلم برای هر کلاس آن وجود داشته باشد و بنا بر این در یک مدرسه ابتدائی که دارای ۵ کلاس است بایستی ۵ معلم و حدود ۲۰۰ شاگرد وجود داشته باشند . از طرف دیگر برای اینکه یک روستا دارای ۲۰۰ نفر جمعیت واجد تعلیم در گروههای سنی ۱۱-۶ ساله باشد لازم است که تعداد کل سکنه آن ، حداقل ۱۰۰۰ نفر باشند . حالا اگر در غیر این صورت مدرسه ای ایجاد گردد ، بخاطر عدم وجود شاگرد کافی غیر اقتصادی بوده و یا چون در این حالت معلم ناچار است که بعلت قلت شاگردان در یک زمان به کلاسهای متعدد درس بدهد دارای استاندارد و کیفیت مناسبی نخواهد بود . این وضعیت در مورد ارائه خدمات بهداشتی و سایر خدمات دولتی نیز مصداق داشته و حتی بمراتب حادثر میباشد . از دلائل اساسی

مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست

دیگری که باعث مهاجرت مردم روستائی بشهرها میگردد اینست که صرف نظر از خدماتی که توسط دولت میتواند در سطح روستا عرضه گردد و این خدمات در حال حاضر وجود ندارد، بعضی از خدمات دیگر نیز وجود دارند که معمولاً "توسط بخش خصوصی ارائه میگرددند، و اینگونه خدمات نیز بعزت عدم وجود صرفه های اقتصادی در سطح روستاهای کوچک عرضه نمیشود.

توضیح بیشتر اینکه در حال حاضر فروشگاههای مناطق روستائی بسیار محدود هستند، عرضه تسهیلات بهداشتی نیز بسیار محدود است زیرا برای یک دکتر طبابت در روستای کوچک صرف نمیکند و حتی تسهیلات تفریحی ابتدائی نیز در روستاها وجود ندارد. زیرا از نقطه نظر اقتصادی برای روستاهای کوچک قابل توجیه نیست. با توجه به این مباحث آشکار میگردد که تنها راه نظام دهی به نواحی روستائی کشور در آینده نزدیک، ایجاد مراکز توسعه روستائی میباشد. در این مراکز کلیه تسهیلات دولتی مورد



نیاز تمرکز خواهد یافت و با توجه به تعداد جمعیت این مراکز ایجاد سرویسهای بهتر تجارتي و سایر خدمات حرفه ای نیز از نظر اقتصادی همراه با صرفه خواهد بود.

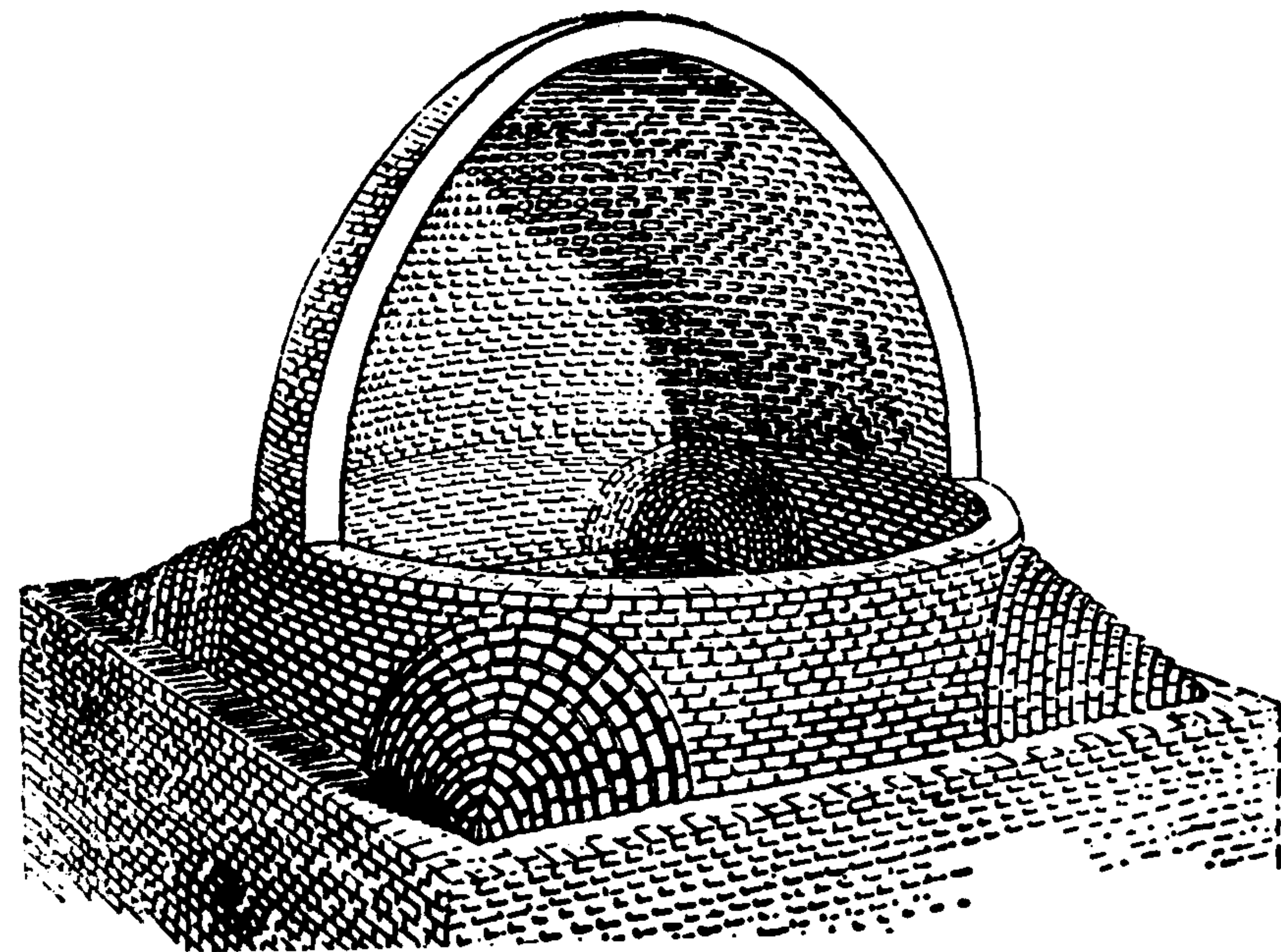
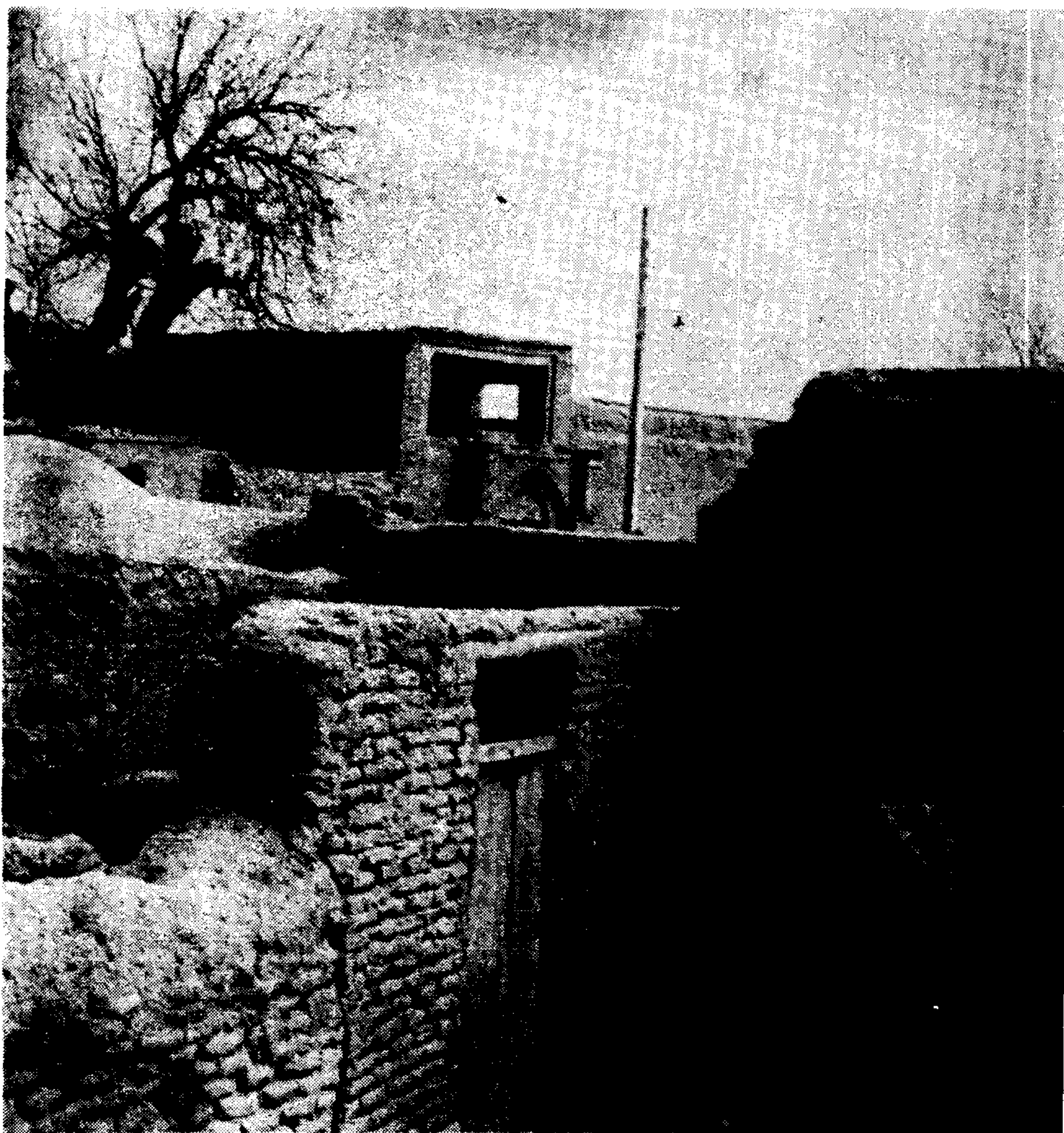
بر مبنای مطالعات مربوط به قطب های توسعه کشاورزی و صنایع وابسته در ایران حداکثر ۳۰۰۰ مرکز روستای در داخل قطب های مزبور قرار می گیرند بعنوان مراکز اصلی تاسیسات و خدمات زیربنائی انتخاب میشوند و کلیه فعالیت های مهم اجتماعی و اقتصادی خاصه زیر بنائی مانند ساختمان درمانگاه، ساختمان مدارس راهنمائی، دبیرستان، هنرستان حرفه ای، پایگاه های فرهنگی، تاسیسات آب و برق روستائی، مزرعه ترویج کشاورزی ساختمان های دولتی و مسکونی برای مروجان، کادر تعاون و دامپزشکان، مرکز شرکت تعاونی چند منظوره، کلینیک دامپزشکی مراکز رفاه، انبار، شبکه ارتباطی و غیره در مقیاس متناسب در این مراکز ایجاد میشود.

درجه دوم اولویت با دهات دارای بیش از ۵۰ خانوار جمعیت است که خارج از مراکز ردیف یک قرار دارند. سرمایه گذاری اجتماعی و زیربنائی در این روستاها محدود به تامین آب آشامیدنی و بهداشت محیط، دبستان و راه روستائی، خدمات ترویجی و دفتر کار شرکت تعاونی خواهد بود و برای سایر نیازمندیها از تاسیسات و خدمات مراکز ردیف اول استفاده خواهد شد. با اجرای این سیاست انتظار میرود تدریجاً "جمعیت اضافی روستاهای کوچک و فاقد استعداد رشد کرده و به روستاهای بزرگتر و مستعدتری روی آورند و مراکز روستائی کشور به مقیاس اقتصادی مناسبی برسد.

بموازات این تدابیر و همچنین توسعه سیاست کشاورزی و کشت و صنعت، متشکل ساختن روستائیان در یکی از اشکال تعاونی و یا در شرکتهای سهامی زراعی و همچنین مسئله آموزش آنان اهمیت فوق العاده داشته و کلید توسعه و عمران روستاهاست و بدون این دو برنامه یعنی تعاونی های روستائی و آموزش روستائی

بستگی فرم‌ها برخوردار است . بافت‌های خود روی دهات و معماری بدون معماری روستاهای ایران نه فقط در ایران بلکه در دنیای معماری امروز مورد توجه قرار گرفته است و بخصوص در شرایط جغرافیایی و اقلیمی متفاوتی که مناطق مختلف کشور قرار گرفته اند با مصالح مختلف و فرم‌های بسیار متنوع ولی در هر حال هم‌آهنگ و جوابگوی محیط طبیعی خود برخوردار می‌کنیم . بعنوان مثال معماری روستاهای حاشیه کویر و معماری روستاهای کرانه‌های دریای خزر که هر یک دنیای ارزنده و خاص خود را دارند . انتظار می‌رود که در ایجاد بافت‌های کالبدی و معماری شهرک‌های جدید روستائی باین خصوصیات پر ارزش توجه خاص مبذول گردد .

زیبائی و گیرائی بافت‌های دهات ایران و معماری روستاها بنظر من بیشتر بدان علت است که صادقانه ، بی‌ریا و بدون تظاهر بوجود آمده اند همچنان که روستائی ما چنین است .



نتیجه چندانى بر سرمایه گذاريهای عمرانی در جهت افزایش درآمد سرانه روستائیان و رفاه بیشتر آنان مترتب نخواهد بود . با توجه به وضعیت پراکنده منابع کشاورزی کشور ، ممکن است ایجاد شهرک‌ها یا مراکز توسعه روستائی در مراحل اولیه کار مشکلاتی در زمینه حمل و نقل و رفت و آمد بین نقاطی که در آن منابع کشاورزی قرار گرفته با روستای اصلی با رفت و آمد بین روستای اصلی با سایر روستاهائی که در حوزه نفوذ آن همچنان باقی می‌مانند ایجاد گردد ولی این مشکل با سانی از طریق ایجاد یک شبکه مناسب راههای روستائی قابل حل است خصوصا " اگر باین نکته توجه شود که کشور ما در زمره کشورهاییکه دارای مسئله کمبود انرژی هستند قرار ندارند . با ایجاد یک شبکه مناسب راههای روستائی میتوان بسهولت بکلیه نواحی مهم کشاورزی مملکت دسترسی پیدانمود .

اکنون که به لزوم ایجاد این مراکز روستائی یا شهرک‌ها واقف شدیم و عملکرد آنها را شناختیم نکته بسیار مهم رانبايد از نظر دور نگه‌داریم و آن موضوع بافت موجود دهات و معماری روستاهای ایران است که در هر دو حالت از غنای کامل فرم و هم

مرکز هماهنگی مطالعات محیط‌زیست